



ریشه‌یابی جرم شناختی علل ارتکاب به جنایات جنگی منطقه‌ای در بحران فلسطین با تأکید بر آموزه‌های نظریه سازه‌انگاری

سیدمحمدرضا موسوی فرد^۱ | مریم فراتی^۲ | فرشید بهادر^۳

چکیده

برخی مواقع با نگاهی به بحران‌ها و جنایات بین‌المللی نوع بشر را در این فکر فرو می‌برد علل و علت چنین التهاباتی که صلح و امنیت منطقه‌ای را زیر سؤال می‌برد را چگونه می‌توان تبیین کرد تا از آن طریق بتوان ضمن کنترل تنش‌ها در وضع موجود، در آینده ضمن حل ریشه‌های مسائل بتوان به صورت راهبردی از بروز چنین نابسامانی پیشگیری به عمل آید. اینجاست که نظریه‌ها با نگاه در وقایع می‌تواند مکانیسمی را در اختیار ما قرار دهد که واقعیت موجود را بهتر درک کنیم. به نظر می‌رسد اختلافات کنونی در قضیه فلسطین و اسرائیل نوعاً عقیدتی و هویتی است، همین می‌تواند ضرورت این مطالعه را بیش از پیش حقایق موجود را برای ما روشن کند. در این جستار تحقیقاتی با رویکردی توصیفی-تحلیلی در عین حال با بهره‌جستن از روش اسنادی و کتابخانه‌ای می‌خواهیم به جواب این سؤال برسیم علل و ریشه‌های جرم شناختی و سیاسی التهابات و بحران‌های مکرر خاورمیانه با تأکید بر قضیه فلسطین و اسرائیل چیست؟ با توجه به این‌که اختلافات در خاورمیانه ریشه‌های تاریخی و راهبردی است به نوعی هویتی می‌باشد به همین دلیل همیشه محل درگیری و بحران است به همین دلیل به علت همین فضای التهاب‌آور نوعاً تحقق جنایات جنگی دیگر جنایات بین‌المللی در این منطقه امری متحمل است. یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است؛ گسترش نقش واقعی سازمان‌های بین‌المللی به دور از هرگونه سیاسی کاری، تقویت گفتمان‌های سیاسی و مذهبی براساس ترتیبات منطقه‌ای بدون دخالت قدرت‌ها، شناسایی کشور فلسطین وفق اسناد بین‌المللی در قالب رویکردهای سیاسی مسالمت‌آمیز می‌تواند رویکرد پیشگیرانه از منظر جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی در آینده خاورمیانه باشد.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی، جنایات جنگی، قضیه فلسطین، سازه‌انگاری.

DOI: 10.27834/CSIW.2406.1404.4.35.6

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).
mousavifard136394@gmail.com
استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.
ma.forati@yahoo.com
دانشجو دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. f.bahador1996@gmail.com

استناد: موسوی فرد، سیدمحمدرضا؛ فراتی، مریم و بهادر، فرشید. (۱۴۰۳). ریشه‌یابی جرم شناختی علل ارتکاب به جنایات جنگی منطقه‌ای در بحران فلسطین با تأکید بر آموزه‌های نظریه سازه‌انگاری. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۱(۴)، ۱۱۵-۱۴۱



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

شماره ۴ (۳۵)

سال ۱۱
زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۳/۱۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۹/۱۹
صص: ۱۱۵-۱۴۱



مقدمه

خاورمیانه یک منطقه ژئوپلیتیکی است که شبه جزیره عربستان، شام، ترکیه، مصر، ایران و عراق را در بر می‌گیرد. این اصطلاح در اوایل قرن بیستم به عنوان جایگزینی برای اصطلاح خاور نزدیک (در مقابل خاور دور) به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. اصطلاح «خاورمیانه» منجر به سردرگمی در مورد تعاریف در حال تغییر آن شده است، و بیش از حد اروپایی محور تلقی می‌شود (Hassan, 1998). این منطقه شامل اکثریت قریب به اتفاق قلمروهایی است که در تعریف نزدیک آسیای غربی، اما بدون قفقاز جنوبی گنجانده شده است، و علاوه بر این شامل تمام مصر (نه فقط سینا) و تمام ترکیه (نه فقط قسمتی که ترکیه شرقی را ندارد) را شامل می‌شود. اکثر کشورهای خاورمیانه (۱۳ از ۱۸) بخشی از جهان عرب هستند. پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه مصر، ترکیه و ایران هستند، در حالی که عربستان سعودی بزرگترین کشور خاورمیانه از نظر مساحت است. تاریخ خاورمیانه به دوران باستان بازمی‌گردد و اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه برای هزاران سال به رسمیت شناخته شده است (Michael, 2015). چندین دین اصلی منشأ خود را در خاورمیانه دارند، از جمله یهودیت، مسیحیت و اسلام است (MacQueen, 2013: 5). اعراب قومیت اصلی منطقه را تشکیل می‌دهند و پس از آن ترک‌ها، فارس‌ها، کردها، آذری‌ها، قبطی‌ها، یهودیان، آشوری‌ها، ترکمن‌های عراقی، ایزدی‌ها و یونانی‌های قبرس قرار دارند. خاورمیانه عموماً دارای آب و هوای گرم و خشک به‌ویژه در مناطق عربی و مصری است. چندین رودخانه بزرگ برای حمایت از کشاورزی در مناطق محدودی در این‌جا آبیاری می‌کنند، مانند دلتای نیل در مصر، حوضه آبخیز دجله و فرات در بین‌النهرین و حوضه رود اردن که بیشتر قسمت شام را در بر می‌گیرد. این مناطق در مجموع به‌عنوان هلال حاصل خیز شناخته می‌شوند و هسته‌ای را تشکیل می‌دهند که تاریخ‌نگاران مدت‌ها از این منطقه جغرافیایی به‌عنوان مهد تمدن یاد می‌کردند. کارشناسان صاحب‌نظران این حوزه در خصوص این‌که چرا خاورمیانه همیشه کانون بحران‌هاست استدلال‌های مختلفی ارائه می‌دهند مثلاً معتقدند: حدود ۷۰ درصد جنگ و درگیری‌های نظامی در جهان در دایره‌ای است که یک طرف آن در افغانستان و طرف دیگر آن در لیبی است. اگر خواننده این سطور تجربه تعامل مستقیم با سیاستمداران و جوامع منطقه خاورمیانه را داشته باشد احتمالاً تصدیق می‌کند که یک ذهنیت کانونی وجود دارد، عموماً دولت‌ها و جوامع این منطقه، علل این وضعیت نابسامان و جنگ را «بیرونی و خارجی»

می‌دانند. معتقدند مشکل عظیم تر خاورمیانه این است که فقط در راهروهای قدرت نیست که «خود ارزیابی» نفی می‌شود، بلکه جامعه نیز «بررسی عملکرد خود» را عیب می‌داند. فقط این نیست که یک مدیر، حداقل بخشی از مشکل را در شناخت اشتباه، سیاست‌های نادرست و خطاهای محاسباتی خود نمی‌داند و دولت‌های خارجی را مقصر خطاب می‌کند در این جستار تحقیقاتی با رویکردی توصیفی تحلیلی در عین حال با بهره جستن از روش اسنادی و کتابخانه‌ای می‌خواهیم به جواب این سؤال برسیم علل و ریشه‌های جرم شناختی و سیاسی التهابات و بحران‌های مکرر خاورمیانه با تأکید بر قضیه فلسطین و اسرائیل چیست؟ به نظر می‌رسد با توجه به این که اختلافات در خاورمیانه ریشه‌ای تاریخی و راهبردی است به نوعی هویتی می‌باشد به همین دلیل همیشه محل درگیری و بحران است به همین دلیل به علت همین فضای التهاب آور نوعاً تحقق جنایات جنگی دیگر جنایات بین‌المللی در این منطقه امری متحمل است.

۱- پیشینه تجربی

در پژوهشی احمدیان و فلاحی (۱۴۰۳) با عنوان «الگوی رفتاری قدرت‌های منطقه‌ای در مدیریت بحران (مسئله فلسطین)» پرداختند. آن‌ها در مقاله بیان کردند در فرایند مدیریت بحران الگوهای رفتاری قدرت‌های منطقه‌ای نقش انکار ناپذیری دارد. تمرکز پژوهش حاضر، بررسی الگوهای رفتاری قدرت‌های منطقه‌ای در مدیریت بحران فلسطین است که به درگیری بین قدرت‌های منطقه و ائتلاف‌های آن‌ها تبدیل شده است. سؤال پژوهش حاضر این است که با توجه به مدل‌های رئالیستی در مدیریت بحران، الگوی رفتاری بازیگران منطقه‌ای در مدیریت بحران فلسطین چگونه بوده است؟ به نظر می‌رسد که در مدیریت بحران فلسطین علی‌رغم وجود الگوهایی از جنگ تهاجمی و سیاست مبتنی بر قدرت و نیز انجام توافقات صریح در قالب پیمان‌ها، مهم‌ترین الگوی رفتاری بازیگران منطقه‌ای در بحران فلسطین الگوی مبتنی بر رویکرد توازن قدرت بوده است. این پژوهش براساس رویکرد توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در مسئله فلسطین قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، عربستان، ترکیه تابع منطق توازن قوا هستند براساس این رهیافت هیچ کشوری نمی‌تواند بازیگر دیگر را حذف کند و هر یک از قدرت‌ها براساس اصل بقا متحدین از حذف یک‌طرف در منطقه جلوگیری می‌کنند و بحران تداوم می‌یابد.

پناهی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «بحران فلسطین و مسئله حق تعیین سرنوشت» حق بهره‌مندی از عالی‌ترین استاندارد قابل حصول سلامتی به‌عنوان حقی بنیادین توصیف می‌شود که برای تحقق و بهره‌مندی از سایر حق‌ها و آزادی‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. هرچند این حق به لحاظ محتوا، به نسل دوم حقوق بشر تعلق دارد، لیکن ارتباطی نزدیک با سایر نسل‌های حقوق بشری دارد. حق بر سلامتی، طیف وسیعی از حق‌ها را گرد هم آورده است که هر کدام نقشی انکارناپذیر در تحقق آن ایفا می‌کنند. بر این اساس، برخورداری از آب آشامیدنی سالم، غذای کافی و مقوی، محیط زیست پاک و... مقوم ذات سلامتی انسان به‌شمار می‌روند. در کنار این مسئله، برخورداری از حق حیات بدون برخورداری از سلامتی جسم و روان بی‌معنا خواهد بود. همین واقعیت شاهدهی بر این مدعاست که «کلیه‌ی مصادیق حقوق بشر، متقابلاً به هم وابسته، غیرقابل تفکیک از هم و مرتبط به هم می‌باشند.» تحقق عالی‌ترین استاندارد مورد نظر ماده‌ی ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پرتو به‌کارگیری حداکثر امکانات اقتصادی و فنی و طی روندی ضرورتاً تدریجی الحصول، رنگ واقعیت به خود خواهد گرفت. از این‌رو میزان تحقق و بهره‌مندی از این حق، رابطه‌ای مستقیم با سطح رشد و توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی یک کشور دارد. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی با علم به این واقعیت، از دولت‌های عضو می‌خواهد تا با بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی اقتصادی و فنی با یک‌دیگر، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را جهت ارتقاء میزان بهره‌مندی از این حق افزایش دهند.

ثانی و آلاشتی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تمایز میان جنایات جنگی در منازعات بین‌المللی و داخلی: مصادیق و مبانی» پرداختند آن‌ها بیان کردند یکی از جنایات بین‌المللی قابل رسیدگی در دادگاه بین‌المللی کیفری، جنایات جنگی است. جنایات جنگی در دو بستر منازعات بین‌المللی و منازعات داخلی رخ می‌دهند، اما علی‌رغم تشابه در ماهیت شاهد آن هستیم که برخی جنایات جنگی صرفاً در منازعات بین‌المللی جرم‌انگاری شده و ارتکاب آن‌ها در منازعات داخلی جنایت جنگی محسوب نمی‌شود. در این مقاله با بررسی اسناد بین‌المللی از جمله اساسنامه رم، لیست این جرایم احصا و تبیین شده است. برخی از جنایات جنگی صرفاً بین‌المللی عبارت‌اند از: اجبار به خدمت به دشمن، تبعید یا انتقال یا حبس غیرقانونی، حمله به غیرنظامیان، ایراد صدمه به محیط زیست، حمله به مناطق بی‌دفاع، کشتن فرد ناتوان، استفاده نادرست از نشان‌ها، اعلان لغو حقوق اتباع طرف محاصمه،

سپر انسانی کردن غیرنظامیان، گرسنگی دادن و استفاده از برخی سلاح های نامتعارف. در قسمت بعدی مقاله نیز مبانی تمایز میان جنایات جنگی در منازعات بین المللی و داخلی مورد بحث قرار گرفته است. از مهم ترین علت های این تمایز، تأثیرپذیری اساسنامه رم از کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های الحاقی آن از یک سو و نگاه سیاسی و حاکمیتی دول برای محدود کردن صلاحیت دیوان بوده است.

خندان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی جرم شناختی عوامل بین المللی مؤثر بر ارتکاب جنایات علیه بشریت» پرداختند. نویسنده در مقاله بیان کرد جنایات علیه بشریت اعمالی خطرناک و غیرانسانی هستند که به عنوان بخشی از یک تهاجم گسترده یا سازمان یافته، علیه جمعیت غیرنظامی ارتکاب می یابند. به لحاظ پیامدهای ناگوار این جنایات شناخت علل و عوامل ارتکاب آنها ضروری می باشد؛ زیرا بدون فهم علل و عوامل ارتکاب چنین جنایاتی و متعاقب آن پیشگیری مؤثر، تکرار آنها احتمالاً در آینده افزایش می یابد. به این ترتیب بررسی علل و عوامل ارتکاب جنایات علیه بشریت می تواند کمک مؤثری برای عدالت کیفری در مقابله آگاهانه با آنها و نیز دستیابی به یک سیاست جنایی مؤثر در پیشگیری از این گونه جنایات باشد. بر همین اساس در این مقاله عوامل بین المللی مؤثر بر ارتکاب جنایات علیه بشریت مورد بررسی قرار گرفته است. از عوامل بین المللی، بررسی نقش سازمان های بین المللی و دولت های خارجی در پدیدآیی این جنایات است که به آن پرداخته شده است.

حاجی ده آبادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جرم شناختی ساختار روانی مرتکبین جرایم علیه بشریت» پرداخته اند. یافته ها پژوهش نشان داد جرایم علیه بشریت، نقض های فاحش حقوق بین الملل کیفری و صورت های فوق العاده خشونت جمعی هستند که جرم شناسان به دلایل مختلف، مدت ها به آنها توجه نداشته اند؛ اما از آن جا که تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین این گونه جرایم، تاکنون از ارتکاب مجدد آنها مانع نشده است، بررسی جرم شناختی این جرایم کمک مؤثری برای عدالت کیفری بین المللی در مقابله آگاهانه با آنها و نیز دستیابی به سیاست جنایی بین المللی مؤثر در پیشگیری از این گونه جرایم خواهد بود. از رویکردهای جرم شناختی، بررسی ساختار روانی مرتکبین این جرایم است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. یافته های جرم شناختی در این حوزه حاکی از این است که مرتکبین این گونه جرایم، افراد عادی هستند و تفکر

ما- آن‌ها و توجیحات مرتکبین برای غلبه بر ناهماهنگی شناختاری و خود باzdاری‌های فطری به‌منظور اغفال و فریب خویش، نقش مؤثری در ارتکاب این جرایم دارد؛ غیرانسان‌انگاری قربانیان، مقصر انگاری و مستحق‌انگاری آن‌ها، تمسک به جهان‌بینی عفو و آمرزش از جمله این توجیحات است که در این مقاله بررسی شده‌اند.

۲- چارچوب مفهومی

در روابط بین‌الملل، سازنده‌گرایی یک نظریه اجتماعی است که ادعا می‌کند جنبه‌های مهم روابط بین‌الملل توسط عوامل عقیدتی شکل می‌گیرد (Michael, 2018: 75). مهم‌ترین عوامل عقیدتی آن‌هایی هستند که به‌طور جمعی برگزار می‌شوند. این باورهای جمعی، هویت بازیگران را می‌سازند (Wendt, 1999). بر خلاف سایر رویکردها و نظریه‌های برجسته (مانند واقع‌گرایی و انتخاب عقلانی)، سازنده‌گرایان هویت و علایق بازیگران را ساخته‌شده و قابل تغییر می‌دانند. هویت‌ها ثابت نیستند و نمی‌توان آن‌ها را به‌طور برون‌زا فرض کرد (Wendt, Ruggie, 1998: 855; 391: 1992).

برساخت‌گرایی همانند انتخاب عقلانی، پیش‌بینی‌های گسترده و مشخصی درباره روابط بین‌الملل نمی‌کند. این رویکردی برای مطالعه سیاست بین‌الملل است، نه یک نظریه اساسی در مورد سیاست بین‌الملل است. تحلیل ساخت‌گرا تنها زمانی می‌تواند توضیحات یا پیش‌بینی‌های اساسی ارائه دهد که بازیگران مرتبط و علایق آن‌ها و همچنین محتوای ساختارهای اجتماعی شناسایی شوند. نظریه‌های اصلی در رقابت با سازه‌گرایی، انواعی از واقع‌گرایی، لیبرالیسم و انتخاب عقلانی هستند که بر ماتریالیسم (این مفهوم که جهان فیزیکی رفتار سیاسی را به‌تنهایی تعیین می‌کند) و فردگرایی (مفهومی که فردی واحدها را تعیین می‌کند) تأکید می‌کند. می‌توان جدا از سیستم‌های گسترده‌تری که آن‌ها در آن‌ها تعبیه شده‌اند، مطالعه کرد. در حالی که سایر رویکردهای برجسته قدرت را در شرایط مادی (مانند قابلیت‌های نظامی و اقتصادی) مفهوم‌سازی می‌کنند، تحلیل‌های سازنده‌گرایانه نیز قدرت را توانایی ساختاردهی و تشکیل ماهیت روابط اجتماعی بین بازیگران می‌دانند (Raymond, 2005: 39; Hopf, 1998: 151).

یکی دیگر از موضوعات اصلی سازه انگاری، هویت‌ها و علایق است. بر ساخت گرایان استدلال می‌کنند که دولت‌ها می‌توانند هویت‌های متعددی داشته باشند که از طریق تعامل با بازیگران دیگر از نظر اجتماعی ساخته می‌شوند. هویت‌ها بازنمایی درک بازیگر از این که چه کسی هستند، که به نوبه خود علایق آن‌ها را نشان می‌دهد. آن‌ها برای سازنده گرایان مهم هستند زیرا استدلال می‌کنند که هویت‌ها منافع و کنش‌ها را تشکیل می‌دهند. به عنوان مثال، هویت یک دولت کوچک متضمن مجموعه‌ای از منافع است که با منفعی که هویت یک دولت بزرگ به آن اشاره می‌کند، متفاوت است. دولت کوچک مسلماً بیشتر بر بقای خود متمرکز است، در حالی که دولت بزرگ به تسلط بر امور سیاسی، اقتصادی و نظامی جهانی می‌پردازد. البته باید توجه داشت که اقدامات یک دولت باید با هویت آن همسو باشد. بنابراین، یک دولت نمی‌تواند برخلاف هویت خود عمل کند، زیرا این امر اعتبار هویت، از جمله ترجیحات آن را زیر سؤال می‌برد. این موضوع می‌تواند توضیح دهد که چرا آلمان با وجود این که یک قدرت بزرگ با اقتصاد جهانی پیشرو بود، در نیمه دوم قرن بیستم به یک قدرت نظامی تبدیل نشد. به دنبال جنایات رژیم نازی آدولف هیتلر در طول جنگ جهانی دوم، هویت سیاسی آلمان به دلیل شرایط منحصر به فرد تاریخی از نظامی‌گرایی به صلح‌طلبی تغییر کرد. هنجارهای اجتماعی نیز در ساخت گرایان محوری هستند. این‌ها عموماً به عنوان «استاندارد رفتار مناسب برای بازیگرانی با هویت معین» تعریف می‌شوند. انتظار می‌رود کشورهایی که با یک هویت خاص مطابقت دارند با هنجارهایی که با آن هویت مرتبط است مطابقت داشته باشند. این ایده با این توقع به وجود می‌آید که برخی از انواع رفتار و کردار قابل قبول‌تر از سایرین باشد. این فرآیند همچنین به عنوان «منطق تناسب» شناخته می‌شود که در آن بازیگران به روش‌های خاصی رفتار می‌کنند؛ زیرا معتقدند این رفتار مناسب است. برای درک بهتر هنجارها، می‌توان سه نوع هنجارهای تنظیمی، هنجارهای سازنده را شناسایی کرد. هنجارهای تنظیمی رفتار را سفارش می‌دهند و محدود می‌کنند (Theys, 2018).

۲-۱- جرم‌شناسی جنایات جنایات بین‌المللی

در خصوص ضرورت وجوبی علم جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی می‌توان چنین انگاشت؛ درگیری‌ها منجر به غارت، کشتار، استخدام کودکان سرباز، نسل‌کشی و حتی تروریسم می‌شود. آن‌ها همچنین می‌توانند به جنایات فرامرزی مانند قاچاق انسان، آدم‌ربایی و جنایات حیات وحش

منجر شوند. سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی و دولت‌ها با پرسش‌هایی در مورد چگونگی پیشگیری و واکنش به این اعمال مجرمانه و نحوه برخورد با پیامدهای زیانبار آن مواجه هستند. اما فقدان دانش به این معنی است که پاسخ‌های مؤثر اغلب هرگز از زمین خارج نمی‌شوند. چگونه یک کودک سرباز می‌تواند شکنجه‌گر شود؟ آیا دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند تروریست‌ها را محاکمه کند؟ قاچاقچیان انسان چگونه فعالیت می‌کنند؟ در این رویکرد با تمرکز بر نقش افراد، گروه‌ها، دولت‌ها و جامعه بین‌المللی، چگونگی ارتباط جنایات با درگیری را کشف خواهید کرد. شما به روانشناسی مجرمان می‌پردازید، در مورد نظریه‌های جرم‌شناسی در مورد فرآیندهای سازمانی یاد می‌گیرید و در مورد پاسخ‌های عدالت در همه سطوح بحث می‌کنید (Master's International Crimes, Conflict and Criminology - Vrije Universiteit Amsterdam).

اصطلاح «جنایت بین‌المللی» یک اصطلاح جمعی برای برخی موارد نقض بسیار جدی قوانین بین‌المللی است: نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، شکنجه و ناپدید شدن اجباری. سایر جنایات شنیع مانند دزدی دریایی و هواپیما ربایی، علی‌رغم داشتن یک جزء بین‌المللی، جرایم بین‌المللی محسوب نمی‌شوند. از سال ۲۰۱۱، ناپدید شدن اجباری طبق مواد ۴ و ۸ الف قانون جنایات بین‌المللی هلند مجازات شده است. قانون «ناپدید شدن اجباری» را چنین تعریف می‌کند: دستگیری، بازداشت، یا ربودن افراد توسط، یا با مجوز، حمایت، یا موافقت یک دولت یا یک سازمان سیاسی، و به دنبال آن امتناع از اذعان به این سلب آزادی، یا ارائه اطلاعات در مورد سرنوشت یا محل نگهداری آن افراد اشخاص به قصد حذف آن‌ها از حمایت قانون برای مدت طولانی است (Ministerie van Justitie en Veiligheid, 2023).

در برخی آثار استدلال شده است اگرچه جرم‌شناسی یک رشته دانشگاهی است که به مطالعه جنایات می‌پردازد، اما از مطالعه جنایات بین‌المللی غفلت کرده است و به همین دلیل، تلاش برای پاسخ به علت‌شناسی نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی را با مشکل مواجه کرده است. عنصر مشارکت جمعی در ارتکاب جنایات بین‌المللی برای نظریه‌های جرم‌شناسی جریان اصلی دشواری‌هایی ایجاد می‌کند تا دلایلی را که چرا یک گروه در ارتکاب جنایات قساوت جمعی درگیر می‌شوند، توضیح دهند. در برخی از مواقع نظریه‌ای میان رشته‌ای را در جرم‌شناسی جرایم بین‌المللی

پیشنهاد می‌شود که زمینه‌های گسترده‌تری را بررسی می‌کند که جرایم بین‌المللی از آن زاده شده و انجام می‌شود (Sungi, 2022: 21).

جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی به مطالعه جدی‌ترین موارد نقض حقوق بین‌الملل مانند نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت اشاره دارد. این جنایات بین‌المللی «هسته» برای جامعه جهانی بسیار نگران‌کننده است و می‌تواند منجر به حبس شود. آن‌ها در طول زمان در توافقنامه‌های بین‌المللی مختلف، از کنوانسیون لاهه در مورد رفتار نظامی تا اساسنامه رم که دادگاه کیفری بین‌المللی را تأسیس کرد، تعریف شده‌اند. جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی عوامل پیچیده اجتماعی، سیاسی و سازمانی را بررسی می‌کند که به این جنایات بزرگ کمک می‌کند. برخلاف جرایم عادی، جنایات بین‌المللی اغلب شامل سطوح مختلف تحلیل، از تعاملات فردی گرفته تا سیاست‌های سطح دولتی و پویایی بین‌المللی است. یک مدل نظری یکپارچه برای تجزیه و تحلیل سیستماتیک کاتالیزورها و بازدارنده‌ها در هر سطحی که منجر به نقض قوانین کیفری بین‌المللی می‌شود، مورد نیاز است (Rothe, & Mullins, 2009: 97).

این شامل بررسی زمان، مکان و متغیرهای به هم پیوسته خاص است که این رویدادها را ایجاد می‌کند. بررسی جرایم بین‌المللی نیز از نظر چارچوب قانونی، جمع‌آوری شواهد و رویه‌های تعقیب با جرایم عادی متفاوت است. در حالی که جرایم بین‌المللی را می‌توان در دادگاه‌های داخلی مورد پیگرد قرار داد، دادگاه کیفری بین‌المللی یک محل تخصصی برای این جدی‌ترین جرایم جهانی فراهم می‌کند. جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی، حوزه‌ای نوظهور است که به دنبال درک عوامل پیچیده اجتماعی، سیاسی و سازمانی در پس‌نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است - بزرگ‌ترین نقض‌های حقوق بین‌الملل است (International Crimes).

۲-۲- بحران‌شناسی خاورمیانه

در دوران معاصر، خاورمیانه درگیر بحران‌های متعددی است که از اختلاف میان کشورهای رقیب گرفته تا تروریسم را شامل می‌شود. علاوه بر آن، شورش‌ها، جنگ‌های داخلی و نیابت‌ها، نقش بسیار فعال بازیگران غیردولتی و همچنین بازیگران منطقه‌ای اضافی در تعریف سیاست خاورمیانه به یک ویژگی ثابت تبدیل شده‌اند. این مطالعه پژوهشی این تضادها را از منظرهای چندگانه تحلیل می‌کند که شامل ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی است که در شعله‌ور

شدن بحران‌ها در خاورمیانه نقش داشته است. علاوه بر این، ناهماهنگی میان بازیگران مختلف در خاورمیانه، بحران‌هایی را که خاورمیانه در عصر کنونی با آن مواجه است، قطع و تشدید کرد. این تحقیق نشان می‌دهد که برای حل این مسائل که خاورمیانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، رویکردی جامع و چندجانبه مورد نیاز است (Khalid and Naz, 2018: 21).

توماس هابز به عنوان دانشمند علوم سیاسی شناخته می‌شود که معتقد است هسته رفتار انسان بر اساس خودخواهی و منافع خود است. به گفته وی، مفهوم حقوق بین‌الملل، هنجارهای اخلاقی، سیاسی و اخلاقی که یک جامعه موعظه می‌کند ماهیت خود فرضی است. این مشاهدات هابز را می‌توان در سیاست خاورمیانه معاصر مشاهده کرد که در آن تعداد زیادی از بازیگران چه دولتی و چه غیردولتی درگیر هستند و پویایی‌های منطقه‌ای را به نفع خود بازی می‌کنند. اگرچه همه مناطق با بحران‌های مختلفی مواجه هستند، از اقتصاد گرفته تا سیاسی، امنیتی یا زیست‌محیطی، اما منطقه خاورمیانه ثابت کرد که منطقه‌ای پر آشوب است زیرا با همه این مسائل به‌طور همزمان مواجه است. با این حال، این مقاله پژوهشی بر بحران‌های سیاسی و امنیتی که خاورمیانه در حال حاضر شاهد آن است تمرکز دارد. خاورمیانه خانه بحران‌های زیادی است که به دلیل پیچیدگی و طول عمرشان در تاریخ سیاست بین‌الملل مهم هستند. تاکنون هیچ یک از مسائل به‌طور کامل حل نشده و بحران‌های جدیدی در حال ظهور است که بر پیچیدگی سناریوی سیاسی خاورمیانه می‌افزاید. پویایی پیچیده خاورمیانه به‌عنوان مانعی در برابر فرآیندهای صلح و ثبات در منطقه عمل می‌کند. این مقاله بحران‌های متعددی را که خاورمیانه با آن مواجه است تحلیل می‌کند و نقش بازیگران مختلفی را که آرامش را در خاورمیانه بر هم می‌زنند (Khalid Pollack, 2015).

منطقه خاورمیانه متشکل از هویت‌های قومی و مذهبی متعددی است. این کشور عمدتاً خانه جهان عرب است. با این حال، برخی از کشورهای غیر عرب نیز شامل می‌شوند. کشورهای زیر بخشی از منطقه خاورمیانه هستند. ایران، سوریه، ترکیه، عربستان سعودی، مصر، امارات، عراق، لبنان، قطر، یمن، اردن، عمان، بحرین، کویت، قبرس و... هستند. منطقه خاورمیانه محل تمدن‌های غنی است. از اقوام عرب و غیرعرب گسترده‌تر تشکیل شده است. علاوه بر این، قومیت‌های فرعی زیادی وجود دارد، زیرا کردها یکی از قومیت‌های بزرگی هستند که در سراسر مرز چندین کشور خاورمیانه زندگی می‌کنند. این گرایش‌های یکی از پویایی‌های اصلی منطقه‌ای است که شدت درگیری‌های

موجود در منطقه را شکل داده و دوباره شکل می‌دهد. علاوه بر این، تنوع فرقه‌ای نیز وجود دارد. اکثر ایالت‌های خاورمیانه دارای جمعیت سنی هستند؛ اما برخی از ایالت‌ها اکثریت شیعه و تعداد کمی دیگر دارای اقلیت شیعه قابل توجهی هستند. به‌عنوان مثال، ایران، کویت و عراق اکثریت شیعه دارند در حالی که لبنان اقلیت شیعه قابل توجهی دارد، با این حال، همه کشورهای دیگر دارای اکثریت سنی هستند. این تنوع فضایی را برای خشونت‌های فرقه‌ای در منطقه ایجاد می‌کند. نه تنها تنوع فرقه‌ای بلکه تمایز مذهبی نیز قابل مشاهده است. با وجود این که این منطقه جمعیت مسلمان زیادی دارد، اما یهودیان و مسیحیان را نیز در خود جای داده است. این تمایز مذهبی در مناقشه فلسطین و اسرائیل آشکار است. در مجموع، اقلیت‌های قومی، مذهبی و فرقه‌ای قابل توجهی در خاورمیانه وجود دارند که انگیزه بسیاری از درگیری‌های جاری را فراهم می‌کنند (Ma'oz, 1997). خاورمیانه دستخوش بحران‌های متعددی است. درگیری‌ها در خاورمیانه بازتاب ساده‌ای از کشمکش بین دولت‌های رقیب نیست، بلکه ماهیتی بسیار پویا دارد. جنگ‌های داخلی، شورش‌های فراتر از مرزها، و حملات تروریستی وجود دارد. این درگیری‌های متعدد شامل بازیگران متعددی مانند بازیگران غیردولتی، قدرت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌شود. علاوه بر این، بررسی می‌شود که عوامل متعددی باعث شعله‌ور شدن یا تسهیل این تعارضات می‌شوند که عبارت‌اند از: جمعیت‌شناسی و ساختار اجتماعی، مبنای اقتصادی، ویژگی سیاسی رژیم‌ها، رقابت قدرت بین بازیگران جهانی و منطقه‌ای و شکاف بین اسلام سیاسی و دموکراسی. این‌ها عوامل کلی هستند که به‌طور خاص یا از طریق تعامل با یکدیگر به زنده نگه داشتن درگیری‌ها کمک می‌کنند. استدلال می‌شود که بازیگران درگیر در این درگیری‌ها دارای منافع متفاوتی هستند و بنابراین آن‌ها برای دستیابی به اهداف متمایز تلاش می‌کنند. این تضاد رویکرد و رقابت عمده قدرت در منطقه، این درگیری‌ها را پیچیده‌تر می‌کند و بنابراین درگیری‌ها به خودی خود ادامه می‌دهند (Khalid, 39).

۳- یافته‌های تحقیقاتی

۳-۱- خاورمیانه محل التهاب سیاسی و امنیتی

منحصربه‌فرد بودن جغرافیایی و استراتژیک خاورمیانه باعث شده است قدرت بزرگی در تاریخ برای پیشبرد منافع خود در منطقه. با این حال، منطقه بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان را تشکیل می‌دهد

آن را به منبع دائمی مداخله خارجی در دوران پس از جنگ جهانی دوم تبدیل کرد. خاورمیانه علاوه بر منحصربه‌فرد بودن جغرافیایی و استراتژیک، دارای اهمیت است زادگاه و مرکز معنوی سه مهم توحیدی است ادیان، یعنی مسیحیت، یهودیت و اسلام. با توجه به ژئوپلیتیک آن هرگونه درگیری بین دولتی و درون دولتی در خاورمیانه دارای اهمیت است. پتانسیل نه تنها برای بی‌ثبات کردن منطقه به‌عنوان یک کل یا ناراحت کردن منطقه توازن قدرت منطقه‌ای بلکه بر ثبات جهانی تأثیر می‌گذارد. برای این‌ها به دلایلی، خاورمیانه مرکز اصلی امور جهانی بوده است. یک منطقه حساس اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است (Stivachtis, 2018).

استدلال شده است که جنگ در دوران پس از جنگ سرد منابع متفاوتی دارد و ویژگی‌های متفاوتی نسبت به جنگ‌های قبلی به خود می‌گیرد. همچنین این باور رایج شده است که اکثر جنگ‌های معاصر کمتر مشکل روابط بین دولت‌ها هستند تا مشکلی در درون دولت‌ها اگرچه ملاحظات نظامی در هسته سیاست‌های امنیتی دولت‌ها باقی مانده است، اما مشخص شده است که تهدیدات غیرنظامی ناشی از محیط داخلی دولت می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر امنیت دولت داشته باشد. با این حال، درگیری‌های داخلی ممکن است به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شود و مداخله سیاسی و نظامی خارجی را به دنبال داشته باشد. قیام‌های اخیر اعراب نشان داده است که یکی از منابع اصلی بی‌ثباتی منطقه‌ای در خاورمیانه از محیط داخلی کشورهای منطقه نشات می‌گیرد، در حالی که درگیری سوریه به وضوح نشان می‌دهد که چگونه جنگ‌های داخلی ممکن است به بی‌ثباتی منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شود و مداخله خارجی را به دنبال داشته باشد.

در وضع کنونی اگر بخواهیم ترسیم کنیم در منابع چنین ترسیم شده است: جنگ غزه بین اسرائیل و حماس دمای خاورمیانه را به طرز چشمگیری افزایش داده است. خشم مردم در حال افزایش است. مصر و اردن از اخراج فلسطینی‌ها^۱ به سرزمین‌های خود بیم دارند. بازیگران غیردولتی در «محور مقاومت» تحت رهبری ایران حملاتی را در پاسخ به آن‌ها انجام داده‌اند که ظاهراً از حماس و به طور گسترده‌تر از آرمان فلسطین حمایت می‌کنند. آن‌ها اهداف نظامی اسرائیل و ایالات متحده و همچنین کشتیرانی در دریای سرخ و خلیج عدن را با راکت و هواپیماهای بدون سرنشین هدف قرار داده‌اند. اسرائیل، ایالات متحده و بریتانیا نیز به نوبه خود به این گروه‌ها حمله کرده‌اند. تنها آتش بس در غزه

¹ Expulsion of Palestinians

نوید کاهش تنش در منطقه را می‌دهد. اظهارات پرزیدنت بایدن مبنی بر این که معتقد است تا ۴ مارس، چند روز مانده به آغاز ماه رمضان (۲۰۲۴ م)، آتش بس برقرار خواهد شد، دلایلی برای امیدواری ارائه می‌دهد. درگیری شدید بین نیروهای تحت حمایت ایران از یک سو و ایالات متحده و متحدانش از سوی دیگر باعث تلفات نظامی و غیرنظامی شده است. تنها به این دلیل که واشنگتن و تهران هر دو نشان داده‌اند که خواهان چنین درگیری رودرروی نیستند، رویارویی بزرگ‌تر با ایران را تسریع نکرده است. با این حال، قتل ظاهراً سهوی ۲۸ ژانویه سه سرباز آمریکایی مستقر در اردن توسط یک گروه شبه‌نظامی عراقی، هشدار را ارسال کرد: این یک جنگ گسترده‌تر را آغاز نکرد، اما اگر عزم متقابل برای مهار اوضاع نبود، می‌توانست داشته باشد. در محیطی با تنش‌های شدید و زمان‌های واکنش سریع، ممکن است حادثه بعدی مهار نشود، به‌ویژه اگر شامل تعداد بیشتری از تلفات، به‌ویژه غیرنظامیان، یا تعداد بیشتری از سربازان آمریکایی باشد (Author group, 2024).

همکاری منطقه‌ای و جهانی^۱ در خاورمیانه مستلزم تدوین قوانین بازی مورد توافق و منسجم‌تر است. این امر از طریق مذاکرات طرف‌های ذینفع^۲، نه تنها در مورد منازعات فردی، بلکه در رابطه با استراتژی کلی توسعه در خاورمیانه و آینده کشورهای آن قابل دستیابی است. تشکیل یک سیستم امنیتی منطقه‌ای^۳ باید اقدام نظامی یکجانبه بدون دستور مربوطه و مغایر با موازین حقوقی بین‌المللی^۴ را رد کند. پرداختن به موضوع امنیت منطقه، از جمله مفهوم روسیه برای ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی^۵، مستلزم این است که چارچوب، وظایف اصلی و پارامترهای آن بازتعریف شود. تحولات موجود باید با آن رویکردهایی ترکیب شود که تا حد زیادی پویایی فرآیندهای نظامی-سیاسی^۶ خاورمیانه است (Naumkin et al., 2016).

۲-۳- جنگ‌های نیابتی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای

بدین قضیه با نگاهی تاریخی ورود می‌کنیم: فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، سیاست بین‌الملل را دگرگون کرد و ماهیت نظم جهانی را تغییر داد. پایان دوقطبی فضاهای جدیدی

¹ Regional and Global Cooperation

² Negotiations of The Stakeholders

³ Regional Security System

⁴ International Legal Standards

⁵ Weapons of Mass Destruction

⁶ Military-Political Processes

را برای استثمار کشورهای در حال ظهور باز کرد و بسیاری از دولت‌های تحت سلطه شروع به ایفای نقش حیاتی در توزیع مجدد قدرت کردند. ایران که بین قفقاز و اقیانوس هند واقع شده است، دارای موقعیت مهم نظامی- استراتژیک با توانایی کنترل خلیج فارس، منطقه دریای خزر، افغانستان و حتی پاکستان است. با این حال، این نقطه گسست در زنجیره پایگاه‌های آمریکا در منطقه بزرگ‌تر خاورمیانه است. این جستار چشم‌انداز تبدیل شدن ایران به قدرت پیشرو در منطقه را بررسی می‌کند. شرایط مساعد و موانع در برابر چنین اقداماتی را مشخص می‌کند (Gaffar, 2015: 64). اینجاست که به عقیده کارشناسان رویکردهای ایران در خلاف نظم جهانی نقطه عطف تحولات خاورمیانه معاصر است.

خاورمیانه در نتیجه اختلافات بین کشورها به عرصه رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است که برای دستیابی به منافع و جایگاه خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ابعاد سیاسی و اقتصادی به خود گرفته است. این رقابت عمدتاً ناشی از اهمیت استراتژیک، ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه است که این قدرت‌ها یا بازیگران منطقه‌ای را بر آن داشته تا سیاست‌ها و پروژه‌های خود را به گونه‌ای تدوین کنند که به زیان سایر کشورها، بیشترین گسترش را در منطقه تضمین کنند. یکی از علل گسترش تنش حضور اسرائیل در منطقه ارزیابی شده است بر این اساس، حضور این کشور در منطقه خاورمیانه ارتباط مستقیمی با تعریف مفهوم استراتژیک قدرت‌های بزرگ به رهبری ایالات متحده آمریکا با حفظ منافع خود و متحدانش در منطقه و مهار کشورهای عربی دارد. که با آن مخالفت می‌کنند این بازیگران منطقه‌ای (ایران و اسرائیل) در نتیجه عوامل و متغیرهای متعددی از جمله سیاست قدرت نرم، قدرت اقتصادی و توانمندی‌های نظامی بالا به بازیگران تأثیرگذار در منطقه عربی تبدیل شده‌اند. این رقابت بر سر منطقه خاورمیانه قطعاً مورد حمایت بازیگران بین‌المللی است. رقابت منطقه‌ای یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی منطقه خاورمیانه است و هنوز هم وجود دارد، به‌ویژه چالش‌هایی که بین بازیگران منطقه برای دستیابی به اهداف و راهبردهای خود وجود دارد و این رقابت به‌طور مستقیم بر ثبات منطقه از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و... تأثیر گذاشته است (Khamis, 2023:1).

اگر بخواهیم چنین رویکردی را در بستر اختلافات هویتی مورد نظر سازه‌انگاری تفسیر کنیم که در قالب جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی و پیشگیری از بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آنرا تفسیر

کنیم باید گفت: برای درک شخصیت کنونی منطقه خاورمیانه، باید تصویر روشنی از بستری که نظم حاکم در آن شکل گرفت داشت. باید روابط بین احزاب، الگوهای رفتاری غالب نهادها و نهادهایی که نظم منطقه‌ای را ایجاد و شکل دادند و دخالت نیروهای خارجی را در نظر گرفت. با این حال، دوره‌های ثبات و بی‌ثباتی و مسائل امنیتی مستمر را به بهترین نحو با قدرت، جاه‌طلبی، رفتار و تعامل قدرت‌های منطقه (ایران، مصر، عربستان سعودی و ترکیه) توضیح می‌دهند. روابط و درگیری‌های بین این قدرت‌ها و نمونه‌هایی از همکاری و همگرایی در مرکز بررسی تغییرات نظم منطقه‌ای خاورمیانه در هفت دهه گذشته خواهد بود (Ponižilová, 2016). به عقیده نگارنده می‌توان در قالب نمودار ذیل این اختلافات را دسته بندی کرد:^۱



نمودار-۱.

۳-۳- جنگ‌های مذهبی و هویتی

بدون تردید در وضعیت معاصر و در عین حال کنونی (جنگ اسرائیل و محور مقاومت سال ۷ اکتبر ۲۰۲۳) در خاورمیانه یکی از علل بروز جنگ‌ها علیه امنیت ملی و بین‌المللی بازیگران آن اختلافات قومی و مذهبی (هویتی) است. بر اساس تئوری هویت اجتماعی، رقابت هویتی نقشی

^۱ منبع: به عقیده نگارنده چنین وضعیتی حاکم است.

اساسی در آغاز و تشدید تعارض بین گروهی ایفا می‌کند، حتی زمانی که عوامل اقتصادی و سیاسی نیز در آن نقش دارند. رقابت هویت فردی و گروهی محصول جانبی تلاش افراد برای ارضای نیازهای اساسی انسان از جمله نیازهای روانی مختلف تلقی می‌شود. ادیان اغلب این نیازهای روانشناختی را جامع‌تر و قوی‌تر از سایر مخازن معنای فرهنگی که به ساخت و حفظ هویت فردی و گروهی کمک می‌کنند، پاسخ می‌دهند. مذاهب غالباً کیهان‌شناسی، چارچوب‌های اخلاقی، نهادها، آیین‌ها، سنت‌ها و دیگر محتوای حمایت‌کننده هویت را عرضه می‌کنند که به نیازهای افراد برای ثبات روانی در قالب جهانی قابل پیش‌بینی، احساس تعلق، عزت نفس و حتی خودخواهی پاسخ می‌دهد. بالفعل شدن بنابراین، توانایی عجیب دین در خدمت به انگیزه هویت انسانی ممکن است تا حدی توضیح دهد که چرا تضاد بین گروهی اغلب در امتداد خطوط گسل مذهبی رخ می‌دهد. همین به سوی جنگ می‌تواند وضعیت را سوق دهد (Seul, 1999: 533).

در تحقیقات آمده است هویت فرقه‌ای (قومی، قبیله‌ای یا مذهبی) نتیجه جنگ است تا علت جنگ، حتی اگر چنین هویت‌هایی از حافظه استفاده (انتخابی) کنند. مفهوم این گزاره این است که جنگ را کمتر باید به‌عنوان یک رقابت خارجی اراده بین دو طرف تفسیر کرد، بلکه باید به‌عنوان تلاشی یک طرفه و یا موازی برای ساختن هویت‌های سیاسی تک بعدی به‌عنوان مبنایی برای قدرت تفسیر شود. قدرت ناشی از هویتی که به این شکل ساخته شده است، احتمالاً اقتدارگرا و سرکوبگر است. ثانیاً، روش‌های مختلف ارتباطی، زمینه را برای شیوه‌های مختلف قدرت فراهم می‌کند و این مهم است. قدرت در تمام اشکال ارتباطی پخش می‌شود. اما زبان خشونت در مقایسه با دیگر اشکال ارتباطی غیرخشونت‌آمیز کمتر در معرض آزادی و رهایی انسان است. استدلال‌ها از طریق نقد کار نظریه پرداز حقوقی آلمانی کارل اشمیت و تصور او از تمایز دوست و دشمن به‌عنوان مبنایی برای اقتدار سیاسی توضیح داده می‌شود. در عصر جهانی، زمانی که جنگ سنتی بین دولتی رو به افول است، احتمال بیشتری برای هویت‌های چندگانه و لایه‌بندی اقتدار سیاسی وجود دارد، اگرچه تلاش‌هایی نیز برای احیای تمایز دوست و دشمن (حسب مورد) در بسیاری از کشورها وجود دارد (Kaldor, 2013: 336).

اگرچه تا قرن بیست و یکم توسط محققان روابط بین‌الملل نادیده گرفته می‌شد، دین یک نیروی اجتماعی فراگیر در میدان جنگ و خارج از آن بوده و خواهد بود. این بر نحوه بسیج و آماده شدن

رزمندگان برای جنگ تأثیر می‌گذارد. نحوه مبارزه آن‌ها از جمله سازماندهی واحد و تصمیم‌گیری استراتژیک را تنظیم می‌کند. علاوه بر این، هویت‌ها، باورها، اعمال و نمادهای مذهبی، چگونگی و زمان صلح را شکل می‌دهند. مطالعه دین و جنگ به دنبال کشف و درک این تأثیرات متنوع است، حتی زمانی که مذهب بهانه‌ای برای جنگیدن نیست (Klocek & Hassner, 2019). درگیری‌های درون دولتی و جنگ‌های داخلی شاید وحشتناک‌ترین و ظالمانه‌ترین چهره‌ای باشد که جنگ می‌تواند داشته باشد. طغیان جنگ‌های داخلی پس از پایان جنگ سرد، جامعه دانشگاهی را ترغیب کرد تا علل اصلی این جنگ‌ها را بیشتر تحلیل کنند. از آنجا که بسیاری از این درگیری‌ها خود را به صورت جنگ‌های داخلی قومی یا مذهبی نشان می‌دادند، به نقشی که این دو ویژگی می‌توانند ایفا کنند اهمیت زیادی داده شد. با این حال، با وجود تئوری‌های متعددی که سعی در نظارت و تحلیل آن‌ها دارند، این دو و نقش آن‌ها همچنان مورد مناقشه است. به همین دلیل، من با تحلیل خودم به تمرکز بر درگیری‌های درون دولتی و جنگ‌های داخلی، به جای درگیری‌های مسلحانه به طور کلی، ادامه خواهم داد و سعی می‌کنم عمیقاً آن نقش را از طریق بررسی دانش موجود و همچنین ارائه درک خودم از مفهوم، درک کنم. در ابتدا، تمام نظریه‌های موجود در مورد نقش قومیت در درگیری‌های درون دولتی را ذکر می‌کنم. سپس با نقش دین نیز به همین ترتیب عمل خواهد شد. پس از آن، ما به ذکر هر متغیر دیگری که با این دو مرتبط است، ادامه می‌دهم، احتمالاً از این طریق، تأثیرات آن‌ها را در جنگ‌های داخلی تحت تأثیر قرار می‌دهد (Chatzivamvakis, 2017).

۳-۴- نقش قدرت‌های بزرگ در بحران منطقه‌ای

در بحران‌های کنونی خاورمیانه نقش برخی از قدرت‌های بزرگ به صورت آشکار و پنهان بسیار روشن و مشخص است همین امر می‌تواند به صورت بالقوه شعله‌های بحران و آتش را در خاورمیانه نه تنها شعله ور سازد آنرا براساس یکسری شرایط حسب مورد افراط‌گرایی امثالهم به یک رویکرد فراگیر جهانی تبدیل کند. در برخی از تحقیقات انجام شده آمده است موفقیت اسرائیل در جنگ علیه کشورهای عربی را نباید منحصرأ به قدرت نظامی خود و بی‌کفایتی نسبی دشمنانش نسبت داد. عامل مهم دیگر دخالت قدرت‌های بزرگ در جنگ‌های اعراب و اسرائیل بود. علی‌رغم ترس‌های اولیه اسرائیل، چنین دخالتی در بیشتر موارد یا نتوانست دستاوردهای نظامی اسرائیل را انکار کند یا به دو دلیل اصلی یک دارایی بود: فقدان اراده یا توانایی قدرت‌های بزرگ متخاصم برای مداخله

علیه اسرائیل و حمایت یک حامی دوستانه که بدون آن مهارت‌های نظامی خود اسرائیل برای تضمین موفقیت نظامی کافی نبود. اینجاست که نقش برخی از قدرت‌های بزرگ در این به خوبی ملموس است (Kober, 2006: 20).

مثلاً در تحقیقات دیگری آمده است تغییر رفتار بین‌المللی در عربستان سعودی که به خوبی مورد بحث قرار گرفت، به جای این که پیامد بهار عربی باشد، ناشی از ارزیابی مجدد استراتژی بزرگ در اوایل دهه ۲۰۰۰ است. استراتژی کلان به نحوه ارزیابی محیط ژئواستراتژیک توسط دولت‌ها، برنامه ریزی تخصیص منابع و اولویت بندی سیاست‌ها برای تأمین منافع ملی مربوط می‌شود. از دهه ۱۹۷۰، ریاض آسیب‌پذیری‌های ژئوپلیتیکی خود در مورد ایران و عراق را به‌طور واقع‌بینانه ارزیابی می‌کرد و از کمترین تهدیدکننده‌ترین بازیگر این دو حمایت می‌کرد و برای حفاظت از وضعیت موجود به ایالات متحده تکیه می‌کرد. با این حال، تهاجم عراق در سال ۲۰۰۳، ارزیابی مجدد استراتژی را مجبور کرد، زیرا بغداد را از رقابت قدرت حذف کرد و تهران، واشنگتن و ریاض را قدرتمند کرد. در این سناریوی جدید، عربستان سعودی نهایتاً در مورد رهبری منطقه‌ای به‌عنوان منافع اولویت خود تصمیم می‌گیرد و در نتیجه، استقلال نسبی از واشنگتن و رقابت با تهران را ارتقا می‌دهد. نتیجتاً در حالی که هدف ژئوپلیتیک عربستان سعودی تنها پس از سال ۲۰۱۱ برای ناظران خارجی مشخص بود، فرآیند برنامه‌ریزی اولویت دارد. از لحاظ نظری، این جستار با ارائه بینشی در مورد رفتار وضعیت جویانه عربستان سعودی، انگیزه‌ها و محدودیت‌های بالقوه آن، به بحث در مورد غرب زدایی واقع‌گرایی با ترکیب زمینه‌های خاورمیانه کمک می‌کند (Cerioli, 2023: 278). در این خصوص روند مذاکرات عادی سازی روابط با اسرائیل نیز در همین طیف و در قالب همین برنامه قابل بحث و بررسی است که می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد در سیاست خارجی کشور عربستان سعودی در تعامل با قدرت‌های بزرگ به صورت خاصه آمریکا مورد ارزیابی قرار گیرد. در تحقیقات دیگری مسئله به نحو دیگری پوشش داده شده است یعنی از نفوذ قدرت‌های بزرگ بین‌المللی در نتیجه شکاف منطقه‌ای به قضیه نگریسته است؛ امروزه سه قدرت خارجی، ایالات متحده، چین و روسیه، بازیگران اصلی پشت رقابت قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه هستند. پیامدهای قیام‌های عربی، افول نظم پس از جنگ سرد و افزایش رقابت جهانی بین قدرت‌های بزرگ، این رقابت منطقه‌ای را دوباره به وجود آورده است. رقابت قدرت‌های بزرگ، همراه با شکاف‌های منطقه‌ای از قبل موجود بین

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

ایران، کشورهای عربی سنی به رهبری عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه، علامت منفی خود را بر ثبات منطقه گذاشته است. خاورمیانه با هیدروکربن‌های غنی، موقعیت ژئوپلیتیک استراتژیک، خطوط دریایی کلیدی بین‌المللی و نقاط خفه، از کانال سوئز و باب المندب تا تنگه هرمز برای سال‌ها مکانی طبیعی برای رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است. پیامدهای قیام‌های اعراب و افول نظم پس از جنگ سرد باعث شده است که این رقابت دوباره به وجود آید. رقابت قدرت‌های بزرگ، همراه با شکاف‌های منطقه‌ای موجود بین ایران، کشورهای عرب به رهبری عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه، علامت منفی خود را بر ثبات منطقه گذاشته است. بر اساس استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ که توسط دولت ترامپ صادر شد، «رقابت قدرت‌های بزرگ بازگشته است» و به‌طور خاص، چین و روسیه «قدرت، نفوذ و منافع آمریکا را به چالش می‌کشند و تلاش می‌کنند امنیت و رفاه آمریکا را از بین ببرند». ایالات متحده رسماً تمرکز سیاست خارجی خود را به رقابت قدرت‌های بزرگ تغییر داد و چین و روسیه را به‌عنوان رقبای اصلی خود نام برد (Michnik, 2021). اسرائیل به‌عنوان پایگاه راهبردی و متحد آمریکا در منطقه ارتباط تنگاتنگی با این قدرت بزرگ دارد در نتیجه رقابت‌های منطقه‌ای که گوشه‌ای از آن به نمایش گذاشته شده است طبیعی است کشورهایی که در راهبرد سیاست خارجی خود با به آمریکا تکیه کرده‌اند یا حداقل در هماهنگی و موازات سیاست‌های آن حرکت می‌کنند.

۳-۵- نقض فاحش حقوق بشر دوستانه در بحران غزه

از زمان آغاز جنگ اسرائیل و حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، شورای حقوق بشر سازمان ملل «شواهد روشن» جنایات جنگی نیروهای اسرائیل را شناسایی کرده است. یک کمیسیون سازمان ملل برای مناقشه اسرائیل و فلسطین اعلام کرد که «شواهد روشنی وجود دارد که ممکن است جنایات جنگی در آخرین انفجار خشونت در اسرائیل و غزه انجام شده باشد و همه کسانی که قوانین بین‌المللی را نقض کرده‌اند و غیرنظامیان را هدف قرار داده‌اند باید پاسخگو باشند». دادگاه کیفری بین‌المللی تأیید کرد که مأموریت آن برای تحقیق درباره جنایات جنگی ادعایی که از ژوئن ۲۰۱۴ در کشور فلسطین انجام شده است، به درگیری کنونی نیز ادامه می‌یابد. در ۲۰ می ۲۰۲۴، کریم احمد خان، دادستان ارشد، اعلام کرد که قصد دارد برای رهبران هر دو طرف درگیری، از جمله رهبران حماس،

و رهبران اسرائیل، نخست وزیر بنیامین نتانیاهو و وزیر رژیم صهیونیستی، حکم بازداشت صادر کند (https://www.bbc.com/news/articles/c3ggpe3qj6wo).

البته در خصوص این اقدام علیه حماس دچار تردید جدی است چرا که تعیین قابل اجرا بودن قوانین جنگ برای گروه‌های دارای شاخه نظامی یک سؤال دشوار است، زیرا هم شورای اروپا و هم کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خاطرنشان می‌کنند که حقوق بین‌الملل جنگ و تروریسم را به عنوان مقوله‌های حقوقی جداگانه در نظر می‌گیرد (Kelisiana, 2023). دولت‌های اسرائیل، آمریکا، اتحادیه اروپا، بریتانیا، ژاپن و کانادا حماس را به‌عنوان یک گروه تروریستی تعریف می‌کنند. اما برخی با این توصیف مخالفند و مدعی هستند که حماس تروریست نیست. هرچند که اسرائیل رسماً بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ غزه را به‌عنوان متخاصم خود رسماً معرفی کرده است (Darcy, S., & Reynolds, 2010: 211).

هرچند اقدامات اسرائیل در این خصوص به استناد آنچه که در منابع منعکس و مستند شده است مسبوق به سابقه است؛ مثلاً اگر به سوابق رجوع کنیم آمده است حمله اسرائیل به نوار غزه از ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۹ ژانویه ۲۰۰۹ با نقض فاحش و بی‌سابقه حقوق بشر مشخص شد که نتیجه یک تصمیم سیاسی عمدی برای نادیده گرفتن تلفات غیرنظامیان به منظور نجات جان سربازان اسرائیلی بود. این تخلفات شامل حمله به پرسنل پزشکی و غیرنظامیان، ممانعت از تخلیه فوری پزشکی، محدود کردن مراقبت‌های بهداشتی برای جمعیت غیرنظامی، جلوگیری از ارجاع مراقبت‌ها به خارج از نوار غزه و به خطر انداختن توزیع تجهیزات پزشکی و غذا بود (Marton, 2010: 560).

این نقض به تازگی در اسناد بین‌المللی به صراحت آمده است دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش سالانه خود، که شامل ۱۲ ماه منتهی به ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳ است، اعلام کرد که از ۱۷ اکتبر نقض آشکار قوانین بین‌المللی بشردوستانه، «از جمله جنایات جنگی احتمالی، توسط همه طرف‌ها» صورت گرفته است. ولکر ترک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، گفت: «مصونیت ریشه‌دار که توسط دفتر ما برای دهه‌ها گزارش شده است را نمی‌توان ادامه داد.» باید از همه طرف‌ها در قبال نقض‌هایی که در طول ۵۶ سال اشغال (اسرائیل) و ۱۶ سال محاصره غزه دیده شده است، پاسخگو باشد. در این گزارش به قتل‌های غیرقانونی، تخریب بی‌رویه اموال غیرنظامیان، مجازات دسته جمعی، حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی، آوارگی اجباری، تحریک به نفرت و خشونت، تجاوز جنسی و

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

شکنجه اشاره شده است. سازمان ملل اعلام کرده است که در کمتر از پنج ماه (از زمان ارائه گزارش فوق الذکر ۳۱ یعنی اکتبر ۲۰۲۳)، بخش اعظم غزه با خاک یکسان شده و جمعیت حدود ۲,۴ میلیون نفری آن به مرز قحطی کشیده شده است. در این بیانیه آمده است: حمله اسرائیل به غزه منجر به «مصائب عظیم فلسطینیان از جمله کشتار غیرنظامیان در مقیاس وسیع، جابجایی‌های مکرر گسترده، تخریب خانه‌ها و محرومیت از غذای کافی و سایر ضروریات زندگی» شده است. محاصره تحمیل شده بر غزه به منزله مجازات دسته جمعی است و همچنین ممکن است استفاده از گرسنگی به عنوان یک روش جنگی باشد که جنایات جنگی است. کمیسیون سازمان ملل تصریح دارد «راه اندازی یک حمله بدون تبعیض که منجر به مرگ یا مجروح شدن غیرنظامیان شود و... جنایات جنگی است» (Report, Friday 23 Feb 2024).

اگر بخواهیم جغرافیای غزه را به تصویر بکشیم که اسرائیل آن را محاصر کرده است به شرح

ذیل است:



شکل-۱. محاصره غزه

<https://www.aljazeera.com/features/2023/10/12/is-israeli-bombing-of-gaza-a-violation-of-international-laws>

نتیجه‌گیری

در بررسی و ریشه‌یابی علل جرم‌شناختی ارتکاب جنایات جنگی در بحران فلسطین، تحلیل ابعاد گوناگون زمینه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی و اثرات آن‌ها بر کنش‌های خشونت‌آمیز در این منطقه، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین مناقشات جهان معاصر، ضروری به نظر می‌رسد. این بحران، علاوه بر عوامل آشکار نظامی و سیاسی، دارای ریشه‌های عمیق اجتماعی و هویتی است که به‌واسطه درگیری‌های مداوم، تأثیرات گسترده‌ای بر ساختارها و باورهای فرهنگی دو طرف گذاشته است. در این راستا، نظریه سازه‌نگاری به‌عنوان چارچوبی نظری، با تأکید بر نقش ساختارهای هویتی و معانی اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای کنش‌گران سیاسی، به شفاف‌سازی و تبیین علل و زمینه‌های پنهان جنایات جنگی کمک می‌کند. از دیدگاه سازه‌نگاران، هویت‌ها و تصورات اجتماعی، کنش‌ها و در نتیجه تنش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ به همین دلیل، به منظور فهم علل بروز جنایات جنگی در بحران فلسطین، باید به بازتعریف هویت‌ها، تضادها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی شکل‌دهنده به این مناقشه توجه ویژه‌ای شود. این پژوهش با بررسی آموزه‌های نظریه سازه‌نگاری، تلاش می‌کند تا به ریشه‌یابی علل جرم‌شناختی جنایات جنگی منطقه‌ای بپردازد و از این طریق به تبیین عواملی بپردازد که در چرخه خشونت و تداوم درگیری در این بحران نقش دارند.

به صورت کلی باید توجه داشت که اقدامات یک دولت باید با هویت آن همسو باشد. بنابراین، یک دولت نمی‌تواند برخلاف هویت خود عمل کند، زیرا این امر اعتبار هویت، از جمله ترجیحات آن را زیر سؤال می‌برد. خاورمیانه امروزی مرکزی از تقابل هویت‌های متعدد فرهنگی و اجتماعی و مذهبی است که می‌تواند آنرا با چالش‌های عظیمی روبرو سازد. در دوران معاصر، خاورمیانه درگیر بحران‌های متعددی است که از اختلاف میان کشورهای رقیب گرفته تا تروریسم را شامل می‌شود. علاوه بر آن، شورش‌ها، جنگ‌های داخلی و نیابت‌ها، نقش بسیار فعال بازیگران غیردولتی و همچنین بازیگران منطقه‌ای اضافی در تعریف سیاست خاورمیانه به یک ویژگی ثابت تبدیل شده‌اند. کارشناسان صاحب‌نظران این حوزه در خصوص این که چرا خاورمیانه همیشه کانون بحران‌هاست استدلال‌های مختلفی ارائه می‌دهند. معتقدند مشکل عظیم‌تر خاورمیانه این است که فقط در راهروهای قدرت نیست که «خود ارزیابی» نفی می‌شود، بلکه جامعه نیز «بررسی عملکرد خود» را عیب می‌داند. فقط این نیست که یک مدیر، حداقل بخشی از مشکل را در شناخت اشتباه،

سیاست‌های نادرست و خطاهای محاسباتی خود نمی‌داند و دولت‌های خارجی را مقصر خطاب می‌کند. درگیری‌ها در خاورمیانه بازتاب ساده‌ای از کشمکش بین دولت‌های رقیب نیست، بلکه ماهیتی بسیار پویا دارد. جنگ‌های داخلی، شورش‌های فراتر از مرزها، و حملات تروریستی وجود دارد. برای درک شخصیت کنونی منطقه خاورمیانه، باید تصویر روشنی از بستری که نظم حاکم در آن شکل گرفت داشت. باید روابط بین احزاب، الگوهای رفتاری غالب نهادها و نهادهایی که نظم منطقه‌ای را ایجاد و شکل دادند و دخالت نیروهای خارجی را در نظر گرفت. با این حال، دوره‌های ثبات و بی‌ثباتی و مسائل امنیتی مستمر را به بهترین نحو با قدرت، جاه‌طلبی، رفتار و تعامل قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی توضیح می‌دهند. روابط و درگیری‌های بین این قدرت‌ها و نمونه‌هایی از همکاری و همگرایی در مرکز بررسی تغییرات نظم منطقه‌ای خاورمیانه در هفت دهه گذشته خواهد بود. بدون تردید در وضعیت معاصر و در عین حال کنونی (جنگ اسرائیل و محور مقاومت سال ۷ اکتبر ۲۰۲۳) در خاورمیانه یکی از علل بروز جنگ‌ها علیه امنیت ملی و بین‌المللی بازیگران آن اختلافات قومی و مذهبی (هویتی) است.

نقض فاحش حقوق بشر دوستانه در بحران غزه یکی از مسائلی است که در دهه‌های اخیر همواره مورد توجه مجامع بین‌المللی و مدافعان حقوق بشر قرار گرفته است. اصول حقوق بشر دوستانه، به‌ویژه قوانین کنوانسیون‌های ژنو، بر حمایت از جان و امنیت غیرنظامیان و محدودسازی خشونت در درگیری‌های مسلحانه تأکید دارد. اما در بحران غزه، بارها و بارها شاهد نقض این اصول بوده‌ایم. از جمله این موارد می‌توان به بمباران مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس و زیرساخت‌های حیاتی اشاره کرد که جان و امنیت هزاران غیرنظامی را به خطر انداخته است. قدرت‌های بزرگ بین‌المللی، به‌ویژه آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و کشورهای منطقه‌ای، نقش مهمی در بحران غزه دارند و با توجه به جایگاه خود در نظام بین‌المللی، تأثیرات عمیقی بر نحوه مدیریت این بحران می‌گذارند.

۱. حمایت‌های سیاسی و نظامی: یکی از عوامل اصلی تداوم بحران غزه، حمایت‌های سیاسی و نظامی برخی از قدرت‌های بزرگ از طرف‌های درگیر است. به‌ویژه ایالات متحده به‌عنوان یکی از حامیان اصلی اسرائیل، نقش برجسته‌ای در ارائه کمک‌های نظامی و مالی دارد و با حمایت‌های دیپلماتیک در سازمان‌های بین‌المللی، بارها از صدور قطعنامه‌های محکوم‌کننده جلوگیری کرده است.

۲. وتوهای شورای امنیت سازمان ملل: قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا، در شورای امنیت سازمان ملل با استفاده از حق وتو، مانع از تصویب قطعنامه‌هایی شده‌اند که به منظور محکومیت اقدامات جنگی و نقض حقوق بشر در غزه مطرح شده‌اند. این اقدامات باعث می‌شود که جامعه بین‌المللی نتواند واکنشی مؤثر برای جلوگیری از نقض فاحش حقوق بشری در این منطقه داشته باشد.

۳. تأمین سلاح و تجهیزات نظامی: قدرت‌های بزرگ با فروش و تأمین سلاح و تجهیزات نظامی به طرف‌های درگیر، به تداوم درگیری‌ها و افزایش خشونت کمک می‌کنند. برخی از کشورها با فروش سلاح به اسرائیل، به‌طور غیرمستقیم در نقض حقوق بشردوستانه نقش دارند.

۴. منابع انرژی و منافع اقتصادی: بسیاری از قدرت‌های بزرگ به دلیل منافع اقتصادی و منابع انرژی در منطقه خاورمیانه، سیاست‌هایی را دنبال می‌کنند که منجر به تضعیف تلاش‌های صلح‌آمیز و تداوم درگیری‌ها می‌شود. وابستگی به منابع نفتی و موقعیت استراتژیک منطقه، قدرت‌های بزرگ را به حمایت از ائتلاف‌ها و رژیم‌هایی سوق می‌دهد که خود در تداوم بحران نقش دارند.

نقض فاحش حقوق بشری در بحران غزه، علاوه بر پیامدهای انسانی و اجتماعی، اعتبار سازمان‌های بین‌المللی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. قدرت‌های بزرگ با استفاده از نفوذ و توانایی‌های خود، می‌توانند در کاهش یا افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها نقش داشته باشند. در عین حال، عدم حمایت کافی جامعه بین‌المللی از اجرای اصول حقوق بشردوستانه و تأمین منافع سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ در منطقه، سبب می‌شود که بحران غزه همچنان ادامه یابد.

در بحران‌های کنونی خاورمیانه نقش برخی از قدرت‌های بزرگ به صورت آشکار و پنهان بسیار روشن و مشخص است همین امر می‌تواند به صورت بالقوه شعله‌های بحران و آتش را در خاورمیانه نه تنها شعله ور سازد آن را براساس یکسری شرایط حسب مورد افراط‌گرایی امثالهم به یک رویکرد فراگیر جهانی تبدیل کند. به صورت خاصه در بحران فلسطین اگر بخواهیم به گوشه‌ای از اسناد بین‌المللی اشاره کنیم آمده است محاصره تحمیل شده بر غزه به منزله مجازات دسته جمعی است و همچنین ممکن است استفاده از گرسنگی به‌عنوان یک روش جنگی باشد که جنایات جنگی است. کمیسیون سازمان ملل تصریح دارد «راه اندازی یک حمله بدون تبعیض که منجر به مرگ یا مجروح شدن غیرنظامیان شود و... جنایات جنگی است. می‌توان راهکارهایی برای رسیدن به وضعیت

نیمه پایدار در بلندمدت پایدار از منظر پیشگیری حوزه جرم‌شناسی علل جرائم جنایات بین‌المللی ارائه کرد:

- گسترش نقش واقعی سازمان‌های بین‌المللی به دور از هرگونه سیاسی کاری و ملاحظات مرتبط با آن یکی از راهکارهای کنترل چنین جنایاتی در وضع حاضر می‌باشد؛
- در قالب همگرایی و گسترش نقش قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اولویت دادن به صلح بین‌المللی تقویت گفت‌وگوهای سیاسی می‌تواند نکته دیگری برای کنترل وضع موجود باشد؛
- تشکیل و شناسایی کشور فلسطین وفق اسناد بین‌المللی و گسترش گفت‌وگوهای مشترک ادیان ابراهیمی می‌تواند یکی دیگر از راهکارها باشد.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Ahmadian, G., Fallahi, M. (2024). Behavioral Model of Regional Powers in Crisis Management (The Case of Palestine). *Islamic World Crisis Studies*, 11(2), 133-160. [In Persian]
- Aothor group. (2024). The Danger of Regional War in the Middle East: <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/east-mediterranean-mena/israelpalestine/danger-regional-war-middle-east>.
- Barnett, M., Duvall, R. (2005). Power in international politics, international organization. United States: US, IO Foundation, 39-75.
- Barnett, M.L. (2018). Gheciu, Alexandra; Wohlforth, William C (eds.). Constructivism. The Oxford Handbook of International Security. doi:10.1093/oxfordhb/9780198777854.013.7. ISBN 978-0-19-877785-4.
- Cairo, M. F. (2012). The Gulf: The Bush Presidencies and the Middle East. University Press of Kentucky.
- Cerioli, L. (2023). Saudi Arabian strategy reassessment since 2003: The emergence of a regional leadership via Neoclassical Realist lenses. *International Area Studies Review*, 26(3), 287-303.
- Chatzivamvakis, G. (2017). The role of ethnic and religious identity in armed conflict. ResearchGate. https://www.researchgate.net/publication/333944115_The_role_of_ethnic_and_religious_identity_in_armed_conflict.
- Darcy, S., Reynolds, J. (2010). An enduring occupation: the status of the Gaza Strip from the perspective of international humanitarian law. *Journal of Conflict & Security Law*, 15(2), 211-243.
- Gaffar, M.A. (2015). Iran as a Regional Power in West Asia. *World Affairs: The Journal of International Issues*, 19(3), 64-83.

- Golkhandan, Samira. (2019). Criminological Study of International Factors Influencing the Perpetration of Crimes Against Humanity. *Criminal Law and Criminology Research*, 7(13), 81-107. [In Persian]
- Haji Deh Abadi, Mohammad Ali, Shams Natari, Mohammad Ebrahim, & Golkhandan, Samira. (2016). Criminological Study of the Psychological Structure of Perpetrators of Crimes Against Humanity. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*, 16, 48-68. [In Persian]
- Hassan, H. (1998). The Middle East, in whose world? (Primary Reflections). In *The fourth Nordic conference on Middle Eastern Studies: The Middle East in globalizing world*. Oslo, 13: 16 .
- Hopf, T. (1998). The promise of constructivism in international relations theory. *International security*, 23(1), 171-200.
- <https://www.aljazeera.com/features/2023/10/12/is-israeli-bombing-of-gaza-a-violation-of-international-laws>
- International Crimes. (n.d.). Open Society Justice Initiative. <https://www.justiceinitiative.org/publications/international-crimes>
- Kaldor, M. (2013). Identity and war. *Global Policy*, 4(4), 336-346 .
- Khalid, I., & Naz, U. (2018). Middle East in Crisis. *J of Political Studies.*, 25, 21.
- Khamis, K.M. (2023). The Competition of Regional Powers and its Impact on the Stability of the Middle East Region:(Iran-Israel as a Model). *The International and Political Journal*, (56), 1-26.
- Klocek, J., Hassner, R.E. (2019). War and religion: An overview. *Oxford Research Encyclopedia of Politics*.
- Kober, A. (2005). Great-power involvement and Israeli battlefield success in the Arab-Israeli wars, 1948–1982. *Journal of Cold War Studies*, 8(1), 20-48.
- MacQueen, B. (2017). An introduction to Middle East politics.
- Ma'oz, M., Eickelman, D. (1997). Prospects for religious and ethnic conflict in the Middle East. The Washington Institute. Retrieved from <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/prospects-for-religious-and-ethnic-conflict-in-the-middle-east>.
- Marks, M. (2023). What the World Gets Wrong About Hamas. *Time Magazine*, <https://time.com/6329776/hamas-isis-gaza>.
- Marton, R. (2011). Human rights violations during Israel's attack on the Gaza Strip: 27 December 2008 to 19 January 2009. *Global Public Health*, 6(5), 560-569.
- Master's International Crimes, Conflict and Criminology - Vrije Universiteit Amsterdam. (n.d.). Vrije Universiteit Amsterdam. <https://vu.nl/en/education/master/international-crimes-conflict-and-criminology>.
- Michnik, W. (2021). Great power rivalry in the Middle East. *Expert Comment*, (7).
- Ministerie van Justitie en Veiligheid. (2023). What are international crimes? International Crimes Public Prosecution Service. <https://www.prosecutionservice.nl/topics/international-crimes/what-are-international-crimes>.
- Naumkin, V.V., Zvyagelskaya, I.D., Kuznetsov, V.A., Sukhov, N.V. (2016). The Middle East: From Conflict to Stability. *Proceedings of the Valdai Discussion Club*.
- Panahi, Z. (2024). The Palestine Crisis and the Issue of the Right to Self-Determination. *Islamic World Crisis Studies*, 11(1), 187-207. [In Persian]
- Ponižilová, M. (2016). The Impact of Regional Powers' Competition on the Middle East Regional Order. *Central European Journal of International & Security Studies*, 10(3).
- Report. (Friday 23 Feb 2024). UN condemns 'gross human rights violations' by Israel against Palestinian, available in: <https://english.ahram.org.eg/News/518272.aspx>

- Rothe, D.L., Mullins, C.W. (2009). Toward a criminology of international criminal law: An integrated theory of international criminal violations. *International journal of comparative and applied criminal justice*, 33(1), 97-118.
- Ruggie, J.G. (1998). What makes the world hang together? Neo-utilitarianism and the social constructivist challenge. *International organization*, 52(4), 855-885.
- Seul, J.R. (1999). Ours is the way of god': Religion, identity, and intergroup conflict. *Journal of peace research*, 36(5), 553-569.
- Seyyadzadeh Sani, S.M., Farhadi Alashti, Z. (2014). Distinction Between War Crimes in International and Internal Conflicts: Instances and Foundations. *Iranian Journal of International Politics Research*, 3(1), 44-71. [In Persian]
- Stivachtis, Y. (2018). Conflict and diplomacy in the Middle East. *E-International Relations*.
- Sungi, S.P. (2022). Criminology and the Study of International Crimes. In *Comparative Criminology Across Western and African Perspectives* (pp. 21-36). IGI Global.
- Theys, S. (2018). Introducing Constructivism in International Relations Theory. *E-International Relations*. https://www.e-ir.info/2018/02/23/introducing-constructivism-in-international-relations-theory/#google_vignette.
- Thynne, K. (2021). Better a war criminal or a terrorist? A comparative study of war crimes and counterterrorism legislation. *International Review of the Red Cross*, 103(916-917), 237-266.
- Thynne, K. (2021). Better a war criminal or a terrorist? A comparative study of war crimes and counterterrorism legislation. *International Review of the Red Cross*, 103(916-917), 237-266.
- Wendt, A. (1992). Anarchy is what states make of it: the social construction of power politics. *International organization*, 46(2), 391-425.
- Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge University Press. ISBN 978-0-521-46960-9.